

مقایسه سبک‌های لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان

زهرا امی^۱

احد فرامرز قراملکی^۲

Web:<http://www.drqaramaleki.com>

Email:info@drqaramaleki.com

چکیده

لیپمن را سرآغاز فلسفه برای کودکان می‌دانند. نوآوری وی در اساس، تحولی در شیوه آموزش و پرورش بوده است. فلسفه برای کودکان در مفهوم سازی لیپمن برنامه ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق در درک مسایل فلسفی نزد کودکان است. این برنامه سه مقوم اساسی دارد: خود اصلاحگری، حساسیت معقول نسبت به زمینه و داوری بر پایه اعتماد بر ملاک های عینی. برنی فیر نیز با همان رهیافت و تلقی لیپمن اما با سبکی متفاوت به فلسفه برای کودکان پرداخت. بررسی مقایسه ای این دو سبک پرتوی در شناخت کاملتر و تحلیل ژرفتر روی آورد لیپمن است. این مقایسه در تدوین الگوی متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی در فلسفه برای کودکان نکته آموز است. هر دو سبک یاد شده در سنت باختری فلسفه بر فلسفه تحلیلی روئیده است.

کلید واژه ها:

فلسفه برای کودکان، تفکر اثر بخش و خلاق، لیپمن، برنی فیر.

طرح مسأله

بحث از مسائل خاص کودکان، حوزه های تخصصی فراوانی را به چالش کشانده است: پزشکی، روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق و فلسفه. فلسفه برای

۱. دانشجوی گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

کودکان^۳ در این میان، نسبت به حقوق کودکان یا جامعه‌شناسی دوران کودکی و یا روانشناسی کودک مبهم به نظر می‌رسد. اصطلاح فلسفه برای کودکان که با کوتاه‌نوشت P4C از آن یاد می‌شود از دهه ۷۰^۴ سده ۲۰ م در امریکا و سپس در اروپا رواج یافت و اخیراً نیز با ترجمه برخی از آثار و مقاله‌ها در کشور ما معرفی می‌گردد.

نخستین برداشت از این واژه، آموزش آراء و عقاید فلسفی به کودکان است. نهضتی که در دهه‌های اخیر به عنوان نگارش کتابهای فلسفی به زبان ساده رواج یافته است. آیا مراد از فلسفه برای کودکان، بیان اندیشه‌های فیلسوفان به زبان کودکان است، یعنی همان ایده‌ای که گاردنر، در *دنیای سوفی* و یا برگمن در *کتاب کوچک فلسفه* دنبال می‌کنند، فلسفه برای کودکان است؟ اینکه مراد از فلسفه برای کودکان چیست و فرایند عملیاتی، روشها و سبک‌ها و ابزارهای آن کدام است؛ از مسائل مهم و پرچالش در سه دهه اخیر است. بر اساس یک اصل روش‌شناختی، برگرفتن ابزارهای مناسب و اخذ روشهای شایسته در هر فعالیتی در گرو تصور رسا و دقیقی است که فرد از آن فعالیت دارد (فرامرزی قراملکی، *اصول و فنون پژوهش*، ص ۳۰-۳۱؛ آذری، *فراشناخت در فرایند یاددهی و یادگیری*، ص ۴ و بعد). بنابراین، جستار از ماهیت فلسفه برای کودکان به لحاظ منطقی و روش‌شناختی، مقدم بر جستجو از روشها و الگوهای آن است.

پاسخ به مسأله چیستی و هویت فلسفه برای کودکان، به شرط آنکه این حوزه معرفتی به تعریف غایی شناخته‌گردد، جهت‌گیری آن را نیز ترسیم می‌کند. برحسب اینکه جهت‌گیری فلسفه برای کودکان را چه امری تلقی کنیم، روی آورد خاصی را در این حوزه معرفتی اخذ خواهیم کرد. بنابراین، تنوع روی آورد در این مقام ناشی از تنوع پاسخ به جهت‌گیری و اهداف فلسفه برای کودکان است. برحسب تنوع روی آورد با گوناگونی ابزار و شیوه روبرو می‌شویم.

پاسخ به مسأله فرایند عملیاتی و روش فلسفه برای کودکان، سبک محقق را در تحقق برنامه فلسفه برای کودکان ترسیم می کند. از آنجا که در فلسفه برای کودکان روی آوردهای مختلف وجود دارد و در هر یک از روی آوردها سبکهای گوناگونی به وجود آمده است، پرداختن به گزارش و تحلیل همه آنها از مجال تحقیق حاضر فراتر است. به همین دلیل به گزارش و تحلیل روی آورد منطق گرایانه لیپمن^۴ و مقایسه سبک وی و سبک برنی فیر^۵ در همین روی آورد بسنده می کنیم.

ماهیت فلسفه برای کودکان از نظر لیپمن

لیپمن، به عنوان استاد فلسفه با مشکل فقدان و یا نقصان قدرت استدلال، تمیز و داوری نزد دانشجویان خود مواجه شد و از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰م مطالعات نظام مندی را در تحلیل، تشخیص و حل مسأله انجام داد. وی عامل عمده این وضعیت را در ضعف تفکر و به ویژه سستی در تفکر انتقادی و خلاق^۶ یافت که ریشه در آموزشهای دوره^۷ کودکی دارد و به همین دلیل، برحسب تحول در سبکهای آموزشی در دوره^۸ کودکی می توان آن را پیشگیری و درمان کرد.

سبکهای آموزش در دوران کودکی به گونه ای است که کودکان را واجد تفکر نقاد و خلاق نمی کند و به همین دلیل آنان در دوران جوانی از مهارتهای زندگی که بر اساس قدرت تمیز شکل می گیرند، برخوردار نیستند. روشهای سنتی آموزشی، حفظ کردن مطالب است و حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن از مجموعه های وسیعی از اطلاعات، گونه ای مهارت فکری کم ارزش و سطحی را به کودکان ارائه می دهد. فراتر از چنین مهارتی، باید به کودک قدرت مفهوم سازی، تحلیل مفهومی، استدلال، نقد و داوری را نیز آموخت. بیان تمثیلی تور صید ماهی دادن و نه ماهی دادن اشاره به این نکته دارد. تأملات اولیه لیپمن، ضرورت آموزش تفکر انتقادی را در سنین ۱۱ یا ۱۲ سالگی، به

۴. Matthew Lipman استاد فلسفه و رئیس انجمن ترویج فلسفه برای کودکان در دانشگاه ایالت

مونکلیر

5. Oscar Brenifier

6. *critical and creative thinking*

وضوح نشان داد. اما اینکه چگونه می توان به چنین هدفی دست یافت، مسأله ای است محتاج مطالعه نظام مند. مطالعه تجربی و مستمر وی و نیز آزمون و خطاهای ده ساله به لیپمن نشان داد که آموزش از طریق متون داستانی (رمان، قصه کوتاه و...) و نیز استفاده از نقاشی، عکس، شعر، فیلم و حتی موسیقی، روش کارایی برای این هدف است. بدین ترتیب، وی به نگارش داستانهای فلسفی روی می آورد. اولین کتاب وی، داستان فلسفی کشف هری استوتلمیر^۷ است. وی همچنین با یاری آن مارگارت شارپ^۸ کتاب راهنمایی را شامل صدها تمرین فلسفی برای مربیان این رشته می نویسد. سپس کتابی را با عنوان *لیزا*^۹ در حوزه اخلاق همراه با کتاب راهنمای معلم می نگارد (نک: لیپمن، مصاحبه با مهر نیوز^{۱۰}، ۲۰۰۳).

لیپمن سبک خود را ابتدا با تغییر وضعیت فیزیکی و طرز نشستن دانش آموزان آغاز می کند. برای ایجاد مشارکت فعال بهترین وضعیت این است که کودکان به شکل دایره بنشینند. هدف مربی این است که بحث میان دانش آموزان را تسهیل کند و ترتیب نامناسب نشستن، بسیار دشوار خواهد ساخت که وی خود را از مرکز بحث خارج کند (کم^{۱۱}، *داستانهای فکری*^{۱۲} (۱)، ص ۸).

سپس از دانش آموزان می خواهد تا داستانهای معینی را با هم بخوانند و درباره مطالب جالب آنها گفتگو کنند. داستانهای مورد بحث محتوای انگیزاننده ای دارند. ملاک انتخاب داستان این است که سئوالها، مسایل و افکاری را رانگیزند که بتوان از آنها برای طرح و تداوم بحث استفاده جست (همانجا). هر دانش آموز، به نوبت، یک بند را با صدای بلند در کلاس قرائت می کند. به محض آنکه طرح سؤال از طرف بچه ها آغاز می شود، مربی آنها را بر روی تخته همراه با نام هر کودک می نویسد. برای طرح سئوالات اگر کودکی دچار مشکل شود، دیگر دانش آموزان می توانند به او کمک کنند. برای شروع

7 Harry Stottlemeiers Discivery

8 Ann Margaret Sharp

9 Lisa

10 Mihrnews

11 P.Com

12 *Thinking Stories*

بحث ابتدا از هر پرسشگری درباره سئوالها توضیح خواسته می شود. افراد با میل و رغبت به پاسخ می پردازند و مربی باید بدون جلب توجه دانش آموزان را به شکلی از تناقض گویی و ناهماهنگی دور سازد. در صورت بروز دیدگاههای متخالف، مربی باید با صراحت این عدم توافق در دو دیدگاه را بیان کند و دانش آموزان را به چالش فراخواند و از دانش آموزان بخواهد برای طرفداری از دیدگاه خود، دیدگاهها را توجیه یا تبیین کنند.

هر شخصی که در جریان پژوهش کلاسی شرکت دارد، باید نسبت به افکار و احساسات دیگران حساس باشد. نشانه های احترام عبارتست از دقیق گوش کردن به آنچه دیگران می گویند، قطع نکردن صحبت آنها، منتظر نوبت خود شدن و خودداری از تک قطبی کردن گفتگو(همان، ص ۱۸). بر این علائم می توان خودداری از هرگونه تحقیر، تمسخر و مواجهه اهانت آمیز را افزود.

لیپمن آموزش فرایند تفکر به کودکان را یک اختراع جدید نمی داند و معتقد است که پیشینیان در مورد آن بسیاری از مطالب ریشه ای را بیان کرده اند(کودکان متفکر و آموزش و پرورش^{۱۳}، ص IX). لیپمن از میراث معرفتی بسیاری از فیلسوفان و روانشناسان متعددی بهره جسته است، از جمله: جان دیویی^{۱۴}، باکر^{۱۵} فیلسوف آمریکایی قرن بیستم، لئوویستکی^{۱۶} روانشناس قرن بیستم روسی، ژان پیاژه^{۱۷}، روانشناس قرن بیستم و متخصص تعلیم و تربیت، گیلبرت رایل^{۱۸} فیلسوف قرن بیستم انگلیسی، جرج هربرت مید^{۱۹} فیلسوف و روانشناس اجتماعی آمریکا و لویدوگ ویتگنشتاین^{۲۰} فیلسوف بریتانیایی اتریشی قرن بیستم (نک: لیپمن، مصاحبه با مهر نیوز، ۲۰۰۳).

13 Thinking Children and Education

14 J. Dewey

15 J. Buchler

16 L. Gotsky

17 J. Piaget

18 G. Riaget

19 G.H. Mead

20 L. Wittgentain

تحلیل نظریه لیپمن

برنامه لیپمن در فلسفه برای کودکان را در درجه اول می توان نهضتی در آموزش و پرورش کودکان دانست. در این برنامه به جای آنکه دانش آموزان نتایج به دست آمده توسط دیگران را صرفاً به خاطر بسپارند و بدون دخالت و اظهار نظر آنها را بپذیرند، بر سر هر موضوع، گفتگو، تحقیق و پژوهش می کنند به گونه ای که در عمل به کاوشگرانی ماهر و جوان تبدیل می شوند. کاوشگر بودن مقوم اصلی این الگو است و مراد از آن جستجوگری فعال و پرسشگر مصر بودن و هوشیاری دائمی برای مشاهده ارتباطات و اختلافات، آمادگی همیشگی داشتن برای مقایسه، مقابله و تحلیل و ارائه فرضیه، تجربه، مشاهده، سنجش و امتحان است (لیپمن، فلسفه برای کودکان و تفکر انتقادی، ص ۶۸۲).

امروزه تمایز واضحی میان «آموزش برای تفکر»^{۲۱} و «آموزش درباره تفکر»^{۲۲} وجود دارد. فلسفه برای کودکان بر مورد اول یعنی «آموزش برای تفکر» تأکید می کند. با این درک که تفکر در مورد یک مسأله می تواند «درباره» هر امری حتی فرایند تفکر باشد، ولی آموزش در باره تفکر بیش از آموختن درباره اقیانوس ها و پروانه ها و... پیشرفت توانایی های فرایند تفکر فرد را تضمین نمی کند (همانجا).

لیپمن با انتقاد از آموزش های رایج، آنها را به این دلیل محکوم می کند که مانع تربیت متفکران مستقلند. او معتقد است اگر دانش آموزان به صورت «کاوش مشترک کلاسی» سازماندهی شوند به نتایجی مثبت خواهند رسید. در حالی که در برنامه قبلی آموزشی این نتایج وجود ندارند. آثار مهمی را در تبدیل کلاس به جامعه پژوهشگر به منظور کاوش مشترک می توان بر شمرد. ۱- خود اصلاحی^{۲۳}، از آنجا که دانش آموزان از نقطه نظرهای متفاوت به موضوع بحث می پردازند و ناخود آگاه در این گفتگو به جمع بندی نسبت به آن موضوع می رسند، به توانایی خود اصلاحگری برای رفع اشتباهات خود دست می یابند. این گروه با مواجهه جدی نسبت به رخنه ها و قصورها نه تنها در

21 teaching for thinking

22 teaching about thinking

23 self-correcting

مقام توجیه آنها بر نمی آیند بلکه به فهم عمیق تر و تأمل و ژرف نگری در آنها می پردازند.

۲- داشتن حساسیت معقول نسبت به زمینه^{۲۴}، فلسفه برای کودکان فعالانه در جستجوی تشویق و تقویت چنین حساسیتی است. تفکر بدون آگاهی از درجات کیفی مشخص از وضعیتهای فردی به منظور نظریه پردازی و استنتاج بی مهابا از مبانی، به انحراف کشیده می شود. حساسیت به زمینه الزامی است، در نتیجه قوانین اگر در وضعیتی که اخذ شده اند نامناسب باشند کارآیی ندارند و وحدت زمینه جزئی و مشخص نه تنها برای تحقیقاتی که استنباطات اخلاقی دارند بلکه برای همه موارد پژوهشی باید به طور صحیح لحاظ شود.

۳- داوری بر پایه اعتماد بر ملاکها^{۲۵}، تفکری که به قضاوت می انجامد، کاربردی است و متفکر کارآزموده کسی است که به تأمل مبتنی بر عمل عادت دارد. تمارینی که در برنامه فلسفه برای کودکان طراحی شده است، توانایی دانش آموزان را برای ارائه قضاوت های عملی افزایش می دهد. چنین قضاوتی نیازمند ملاک است زیرا قضاوت صحیح باید بر مبنای استفاده از دلایل قوی و معتبر باشد و مسلم است که هر فعالیتی، چه کار و پیشه و چه پژوهش و تحقیق، دلایل خاص خود را برای قضاوت می طلبد که ملاک و معیار سنجش در آن فن یا علم می گردد. برای مثال ملاک قضاوت در مورد فن معماری شامل موارد ارزیابی مانند ایمنی، کارآرایی و زیبایی است ولی در فنون و علم دیگر معیار قضاوت تغییر می کند. در برنامه فلسفه برای کودکان، آنان در عمل می آموزند^{۲۶} که در مقام داوری و قضاوت به ملاک سنجش نیاز دارند و رد یا اثبات نظریه ای بدون دلیل، اخلاقی و مقبول نیست (نک: همانجا).

با تأمل در ویژگی های یاد شده فلسفه برای کودکان را چنین می توان تعریف کرد: برنامه ای برای آموزش تفکر نقاد و خلاق در درک ماهیت

24 sensitive-to-context

25 judgments through reliance upon criterion

26 action learning

موضوعات فلسفی میان کودکان با تأکید بر سه محور خود اصلاحگری، داشتن حساسیت معقول نسبت به زمینه و داوری بر پایه اعتماد بر ملاک ها. آن مارگارت شارپ و رونالد اف رید^{۲۷} برنامه لیپمن برای دستیابی به چنین دخی را اینگونه تعریف کرده اند: فلسفه برای کودکان یک روش تفکر مباحثه ای است که با ۲۵ قرن نظرات مختلف و نظام های فکری ارتباط دارد. آرایبی که ماهیت عالم، خصوصیات یک زندگی خوب و پرورش خرد را مورد مطالعه قرار می دهند (مطالعه درباره فلسفه برای کودکان، XIII). بنابراین ارائه هر گونه الگویی برای فلسفه برای کودکان در رهیافت لیپمن محتاج دو رکن اساسی است: مهارتهای منطقی و مهارتهای رفتار ارتباطی. زیرا کودکان در این الگو محققانی تربیت می شوند که از توانایی اندیشه ورزی روشمند و اخلاق پژوهش گروهی برخوردارند.

هدف فلسفه برای کودکان با روی آوری لیپمن ایجاد تفکری اثر بخش، انتقادی و مستدل در کودکان و پرورش آن است.

فرایند رشد تفکر در کودکان چند هدف عمده را تعقیب می کند. از جمله:

- ۱- کودکان خود باور شده و برای فعالیت های فکری خود ارزش قائل می شوند.
- ۲- کودکان از فعالیت های فکری نه تنها خسته نمی شوند که آن را تفریحی لذت بخش می یابند.

- ۳- کودکان به طور خودکار و با حمایت مربی به قواعد منطقی استدلال و گفتگو دست می یابند.

- ۴- احترام به عقاید یکدیگر، پس از آموزش عملی و ممارست، به صورت یک عادت در آنها در می آید.

- ۵- تسلیم خام و بی چون و چرا شدن در مقابل هر عقیده ای، و در نتیجه پیامدهای اجتماعی - اخلاقی و اعتقادی این تسلیم ها در میان کودکان کاهش می یابد.

۶- کودکان انتقادپذیر شده و رد عقایدشان را به صورت مستدل و به راحتی می پذیرند.

۷- کودکان در تضارب و تزاخم آرا صبور و شکیبا می شوند.

۸- دست یابی به ماهیت مفاهیم برای آنان مهم شده به علمی کمتر از فلسفه در به دست آوردن این ماهیت رضایت نمی دهند.

۹- در ارتباطات اجتماعی به راحتی ابراز عقیده کرده و خودسانسوری نمی کنند.

۱۰- با یکدیگر برخوردی صادقانه و به دور از نفاق و دورویی پیدا می کنند.

۱۱- مهارت می یابند که مشکلات خود را به مسائل قابل حل تبدیل کنند.

شیوه برنی فیر در فلسفه برای کودکان

همراه با گسترش فلسفه برای کودکان در روی آورد لیپمن، چند سبک و الگوی دیگر در این زمینه با همین نام یا نام های مشابه پرورش یافته اند.

۱- «فلسفه با کودکان»^{۲۸} این روی آورد به عنوان شاخه ای از فلسفه برای کودکان اما با فعالیتی کاملاً متفاوت رشد کرد. در فلسفه با کودکان ما با آموزش آرای فلسفی به کودکان روبه روایم. اما این آموزش به طریق همان بحث ها و گفتگوهای رایج در فلسفه برای کودکان صورت می گیرد. در این الگو هدف، پرورش فلاسفه جوان است (لیپمن، مصاحبه با مهر نیوز، ۲۰۰۳).

۲- «فلسفه برای کودکان»، با سبکی که برنی فیر^{۲۹} ارائه می دهد نیز روش دیگری در همین روی آورد است. در این روش داستان یا متنی ساخته و یا خوانده نمی شود و سؤال مهم نیز از طرف خود کودکان نیز مطرح نمی گردد، بلکه طراح سؤال مربی است و تنها پاسخ ها و گفتگوها از طریق کودکان صورت می گیرد.

28. philosophy with children (pwc)

۲۹ اسکار برنی فیر فارغ التحصیل در رشته فلسفه از دانشگاه سوربن پاریس، رئیس انجمنهای فرانسوی در زمینه «توسعه فلسفه کاربردی» و دارای آثار و مقالات متعدد درباره فلسفه برای کودکان است. وی در دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا (۱۳۸۳ ش) به ایران دعوت شد و کارگاه فلسفه برای کودکان در تهران برگزار کرد.

برای آشنایی اجمالی با سبک برنی فیر یکی از کارگاه های آموزشی وی را در فلسفه برای کودکان که در یکی از دبیرستان های پسرانه تهران (۱۳۸۳ش) برگزار شد، گزارش می کنیم. در این کارگاه دانش آموزان از پایه سوم دبیرستان و در حدود سن ۱۷-۱۶ و به تعداد ۲۴ نفر بودند. در انتخاب این تعداد سعی شده بود، افرادی باشند که در بیان نظرات خود راحت، و به دور از خود سانسوری و وسواس عمل می کنند، تا جمع بتوانند در زمان کمتری به اصل بحث کشیده شوند. گفتگو تنها میان برنی فیر، مترجم و دانش آموزان صورت می پذیرفت. در لحظه شروع، به درخواست برنی فیر، آرایش صندلی ها از حالت کلاسی به صورت دایره تغییر شکل داده شد. دلیلی که از طرف او ارائه شد مثالی از فیلم های وسترن است: «یک قانون است که می گوید همیشه پشتتان به دیوار باشد و به کسی که پشت سر شما نشسته اعتماد نکنید زیرا ممکن است شما مورد تیر اندازی قرار گیرید». برای آشنا کردن دانش آموزان با قواعد این گفتگو به یک تمرین می پردازد، در این تمرین او سئوالی طرح می کند: «ما می خواهیم در اینجا تمرینی انجام دهیم، هر کسی موافق نیست دستش را بالا برد». این سئوال آغاز یک گفتگو می شود؛ گفتگویی که سئوالات پی در پی آن را به پیش می برد. اما او از این بحث ها برای آماده سازی جمع، جهت یک درگیری فکری استفاده می کند زیرا می خواهد مطالب و قوانین بحث را به آنها به طور غیر مستقیم تفهیم کند. قوانین به دست آمده عبارتند از:

۱ - به سئوال نباید با سئوالی دیگر پاسخ داد.

۲ - از طفره رفتن از پاسخ باید خودداری کرد.

۳ - پاسخ ها باید واضح و روشن باشند.

۴ - پاسخ با سئوال باید مطابقت داشته باشد. مثلاً اگر سئوالی از چرایی است، علت یا دلیل می طلبد اما اگر سئوال طلب موافقت یا مخالفت می کند، فقط باید به جواب «بله» یا «نه» بسنده کرد. این قاعده از حیث روش شناسی اهمیت فراوانی دارد و پایبندی به آن می تواند بهره وری مذاکره را افزایش دهد.

برای نمونه در موارد فراوانی، سؤال از علت است اما پاسخ مبین دلیل است و یا برعکس. در چنین مواردی جریان مذاکره و بحث به انحراف کشیده می شود.

۵- استفاده از کلمات باید دقیق و بجا باشد.

۶- از کلمات برای بیان مطلب استفاده کنیم نه اینکه از کلمات به گونه ای استفاده شود که مطلبی بیان نشود.

۷- به راحتی نظرات مخالف یکدیگر را بیان کرده و با شرم و خودسانسوری از ابراز عقیده واقعی جلوگیری نکنیم.

۸- تحمل نظرات مخالف را داشته باشیم.

۹- در پاسخ دادن و گوش کردن صبور باشیم. به عبارت دیگر با دقت گوش کنیم، با صبر و حوصله فکر کنیم و از شتابزدگی خودداری کنیم.

۱۰- تعویض نظر قبلی به نظری جدید بلا مانع است.

۱۱- دانش آموز و مربی باید بر تفهیم یکدیگر اعتماد داشته باشند. نه مربی اجازه دارد دانش آموز را به درک نکردن محکوم کند و نه دانش آموزان اجازه دارند چنین اتهامی به مربی بزنند.

۱۲- این گفتگو باید باعث یادگیری مطلبی جدید شود و مربی با سؤال های به موقع از دانش آموزان این فراگیری را طلب کند.

۱۳- تشکر از یکدیگر در صورتی که از دوستانتان مطلبی یاد گرفتید الزامی و اخلاقی است.

۱۴- تأکید بر اینکه انسان را با دو خصیصه حرف زدن و فکر کردن می توان شناخت و از این رو انسان ها عاشق مسأله اند. تأمل در قواعد یادشده نشان می دهد در الگوی برنی فیر ضوابطی بر مذاکره گروهی حاکم است که رعایت آنها کارآیی و اثربخشی کار گروهی را افزایش می دهد. در تدوین این قواعد سعی شده است تا آنها مانع خلاقیت افراد نشوند.

پس از آمادگی کلاس و آشنا شدن به اصول و قواعد سؤال اصلی مطرح می شود. دانش آموزان با این سؤال روبرو می شوند: چه چیزی مهم

است؟^{۲۰} همین سؤال برای کودکان ۱۰-۹ ساله در کارگاه آموزشی P4C در همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا مطرح شد (خبرنامه، ص ۶).

قبل از آنکه دانش آموزان پاسخ به این سؤال را بنویسند، مربی از آنان می خواهد که اگر با این سؤال مشکلی دارند مطرح کنند و چنانچه مشکلی مطرح می شد، پاسخ را نیز از دانش آموزان دیگر دریافت می کند. سپس از آنان می خواهد که پاسخ به سؤال اصلی تنها یک جمله کوتاه همراه با دلیل باشد و هر کس بدون مشورت و با تمرکز کامل جواب دهد. هم پاسخ ها به گفتگو گذاشته می شوند و هم پاسخ ندادن ها بررسی می شوند. از دانش آموزان مصرأ خواسته می شود که تفکر کنند و اگر کلمه ای به ذهنشان خطور می کند آن را یادداشت نمایند. تأکید می شود که مهم نیست اگر پاسخی از نظر دیگران غلط باشد، بلکه این مهم است که پاسخ کاملاً با سؤال منطبق باشد و قوانین جواب در آن رعایت شده باشد. یکی از پاسخها بر روی تخته همراه با نام پاسخ دهنده نوشته شده و به بحث گذاشته می شود. این بحث بر محور تشخیص درست مسأله استوار است: آیا به این سؤال پاسخ داده شده است؟ آیا این پاسخ دلیل هم به همراه دارد؟ پس از احساس اینکه کلاس برای ادامه گفتگو آمادگی ندارد، این برنامه به ارزیابی گذاشته می شود. در این ارزیابی دانش آموزانی که نظر مثبت داشتند به مطالب زیر اشاره کردند: ۱- یاد گرفتم که باید مطابق با سؤال پاسخ دهم زیرا سؤال های مشخص جواب های مشخص دارد. ۲- مجبور شدم فکر کنم و خود «فکر کردن» ارزشمند است. ۳- ما اجتماعی زندگی می کنیم پس باید با یکدیگر در گفتگوهایمان اعتماد کنیم. ۴- یاد گرفتم که سعی کنم ابتدا خودم جواب سئوالم را به دست آورم. ۵- یاد گرفتم که پشتم به دیوار باشد.

عده ای از دانش آموزان نیز فعالیت برنی فیر را با استناد براین دلایل نقد کردند: ۱- من مطلب جدیدی یاد نگرفتم زیرا می دانستم که باید فکر کنم. ۲- با بله و خیر طلبیدن مطلبی به اندوخته های ما اضافه نمی شود ولی اگر نظرات خودتان را در سؤال ها می دادید مطلب جدیدی یاد می گرفتیم. ۳- شما

عقایدتان را تحمیل می کنید و آن اینکه بچه ها را به پاسخ های مشخص دادن محدود می کنید، مثل مواردی که می خواهید دانش آموز با پاسخ بله یا خیر جواب دهد.

بررسی مقایسه ای دو سبک لیپمن و برنی فر

لیپمن سبک خود را بر روش های رقیب ترجیح می دهد و آن را بهترین روش برای بهبود تفکر در کودکان می داند. او برای این تمایز دلایلی را بیان می کند.

الف- علاقه. کودکان در خصوص کاری که علاقه بسیار شدیدی به آن دارند، بیشتر تلاش می کنند. فلسفه برای کودکان به این دلایل بیشتر مورد علاقه آنهاست: ۱- شامل داستان های تخیلی است. ۲- درباره کودکانی همانند خودشان است. ۳- این برنامه آنها را وارد گفتگویی درباره موضوعات بحث انگیز (همچون اخلاق) می سازد. بنابراین فلسفه برای کودکان از تفکر انتقادی می گذرد و فراتر می رود.

ب- هیجان. فلسفه برای کودکان تنها به تقویت تفکر انتقادی بسنده نمی کند. در این برنامه پذیرفته می شود که تفکر می تواند به شدت مهیج و احساسی باشد. این برنامه راههایی را فراهم می کند که به واسطه آنها کودکان امکان سخن گفتن درباره خود و تحلیل آنها را بیابند.

ج- تفکر انتقادی. فلسفه برای کودکان به طور کامل در برگیرنده تفکر انتقادی است ولی آن را با وسعت و عمق بیشتری تعقیب می کند. تفکر انتقادی غالباً فقط ضمیمه ای برای برنامه های درسی رایج است، اما P4C این نیاز را به رسمیت می شناسد که کودکان باید به گونه ای واقعی با موضوعی که آن را مسأله انگیز یا مبهم می پندارند سر و کار داشته باشند (مصاحبه با مهر نیوز، ۲۰۰۳).

در مکتب امریکایی فلسفه برای کودکان برای سنین مختلف، داستان های مختلف، با تأکید بر موضوعات متفاوت تدوین شده است. به طوری که آن مارگات شارپ و رونالد رید در مقدمه کتاب مطالعه درباره فلسفه برای کودکان، می گویند: « بین سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ م، ۶ برنامه به صورت زیر

آماده شد: ۱- الفی^{۳۱} برای دو ساله ها، با تمرکز بر فرق گذاشتن، ارتباط دادن و مقایسه کردن در زمینه های مختلف نتایج کلی فلسفی ۲- پیکسی^{۳۲} برای ۳ و ۴ ساله ها با تأکید بر دلایل قیاسی ۳- کیو و گاوس^{۳۳} برای همان سنین ولی با تأکید بر مهارت های استدلالی مختلفی که دانش آموزان را برای رسیدن به ماهیت و طبیعت موضوعات آماده می سازد ۴- لیزا^{۳۴} برای سنین ۷ و ۸ سال با تمرکز بر روی بحث های اخلاقی ۵- سوکی^{۳۵} برای ۹ و ۱۰ ساله ها با مرکزیت قرار دادن بحث های زیبایی شناسی ۶- مارک^{۳۶} برای ۱۱ و ۱۲ ساله ها با محور قرار دادن بحث های سیاسی و اجتماعی» (ص XIV).

شیوه های لیپمن و برنی فیر از جهات مختلفی تشابه دارند. عمده ترین موضع شباهت این است که هر دو بر روی آورد و جهت گیری واحدی در فلسفه برای کودکان استوارند. هر دو افزایش مهارت تفکر انتقادی و خلاق کودکان را هدف قرار داده اند و معطوف ساختن کودکان به مسائل خاص فلسفی، حتی در معنای اگزستانسیالیستی، مواجهه دادن کودکان با رازها و نیازهای وجودی، هدف آنان نیست. هرچند این موارد به منزله میوه هایی قابل حصولند. بنابراین در مقایسه این شیوه باید به ارزیابی کارایی و اثربخشی آن دو در نیل به مهارت تفکر خلاق پرداخت.

مقایسه عملی سبک لیپمن و روش برنی فیر تفاوت های فراوانی را بین آن دو نشان می دهد. عمده ترین وجوه تفاوت عبارتند از: ۱- در الگوی لیپمن به کودکان متنی مانند داستان، شعر، فیلم یا حتی موسیقی ارائه می شود اما در روش برنی فیر آغازگری اینچنینی نداریم. آغاز شدن از یک پرسش کلی می تواند برای کودکان کلاس خسته کننده باشد چنانچه در عمل هم کارگاه های آموزشی برنی فیر این را نشان می دهد. سرخستگی این است که مجبورند به یک موضوع مبهم و مرکب و دارای ابعاد بیندیشند، در حالیکه

31 Elfie

32 Pikse

33 Kio and Gus

34 Lisa

35 Suki

36 Mark

اگر متنی برای گفتگو داشته باشیم فکر آنها به موضوع یا موضوعات خاصی جهت می‌گیرد. به عبارت دیگر در روش برنی فیر کودک با یک مشکل روبه‌روست در حالیکه در برنامه لیپمن با یک مسأله مشخص و روشن درگیر می‌شود. به علاوه هیجانی که از قرائت یک داستان، شعر یا دیدن فیلم در کودکان ایجاد می‌شود، مانع از کسل‌کنندگی بحث و گفتگو گردیده، و مشارکت کودکان را در کوتاه مدت افزایش می‌دهد.

۲- استقلال فردی کودکان در سبک برنی فیر بیشتر است. این ذهنیت کودکان است که مسأله‌ها را به میان می‌آورد و نه داستانی که با ذهنیت مربی‌گزینش شده است. استقلال فردی سبب افزایش خود اصلاح‌گری مستمر می‌گردد و کارآرایی سبک برنی فیر را افزایش می‌دهد.

۳- روش برنی فیر خلاقیت ذهن کودکان را افزایش می‌دهد اما از آنجا که پاسخها بسیار متنوع می‌شوند و هرکدام می‌تواند در وادی کاملاً متفاوتی از دیگری بحث کند، عدم انسجام بحث‌های ماهوی را ناشی شده و هماهنگ کردن آنها با هر گروه سنی با توجه به بحث‌های روانشناسانه غیر ممکن شده و اتفاقاً این مسأله اثر بخشی و کارآیی را پایین تر می‌آورد. مگر اینکه هدف از این گفتگوها صرفاً آموزش خوب گوش کردن، مطابق جواب دادن، تشخیص درست مسأله و در نهایت منطق باشد.

۴- تفاوت دیگر آن است که در الگوی برنی فیر مربی خود را کاملاً از بحث خارج نمی‌کند بلکه در حین پاسخ‌طلبیدن، خود به نکاتی نیز اشاره می‌کند. به دیگر سخن، در سبک وی، مربی به مثابه روان‌درمانگر در سبک روان‌پویشی کوتاه مدت، با دقت و برنامه معین به مداخله می‌پردازد. اگرچه مداخلات وی مؤثر است اما به صورت اقتدار جویانه و حتی مشهود و علنی نیست. مربی به معنای دقیق کلمه مربی است و نه صرفاً هماهنگ‌کننده و نظم‌دهنده کلاس (تفصیل سخن درباره مداخلات روان‌درمانگر در روان‌پویشی کوتاه مدت را نک: قربانی، روان‌درمانگری پویشی...، ص ۲۰۰-۲۶۳).

۵ - در روش لیپمن کودک تحت حمایت آموزشی قرار گرفته است و در دراز مدت با اصول پژوهش، منطق، اخلاق و مفاهیم فلسفی در سنین مناسب

آشنا گردیده و به ممارست می پردازد. اما این نظام مند بودن در روش برنی فیر مشاهده نمی شود. البته او که روش خود را روش سقراطی می نامد معتقد است که باید به کودکان درست پرسیدن را آموخت (خبرنامه، ۶)

نتیجه

وی آورد لیپمن به فلسفه برای کودکان، رهیافت تحلیلی در پرورش فکری کودکان است و هدف وی افزایش اثر بخشی در مهارت تفکر برای کودکان است. برنی فیر در همان رهیافت سبک نوینی را به میان می آورد. مقایسه این دو روش تفاوت هایی را آشکار می سازد که می تواند در روش اتخاذ شده در الگوی اسلامی این برنامه مؤثر باشد. تفکر خلاق، پژوهش مسأله محور و تفکر نقاد مهمترین جهت گیری فلسفه برای کودکان در این روی آورد است.

کتابشناسی

آذری، نیاز، *فراشناخت در فرایند یاددهی و یادگیری تهران*، فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۲ ش.

برگمن، گریگوری، *کتاب کوچک فلسفه: حکمت اندیشمندان جهان به زبان خودمانی*، ترجمه کیوان قبادیان، تهران، اختران، ۱۳۸۴ ش.

خبرنامه دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ش ۴، چهارم خرداد ۱۳۸۳ ش.

فرامرز قراملکی، احد، *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ ش.

قربانی، نیما، *روان درمانگری پویایی فشرده و کوتاه مدت: مبادی و فنون*، تهران، سمت، ۱۳۸۲ ش.

کم، فیلیپ، *داستانهای فکری (۱) کندوکاوی فلسفی برای کودکان*، ترجمه احسانه باقری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.

گارد، یوستاین، دنیای سوفی: داستانی درباره تاریخ فلسفه، ترجمه کورش صفوی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.

لیپمن، متیو، مصاحبه با مهرنیوز، ۲۰۰۳، WWW.MEHRNEWS.com

Sharp, Ann Margaret, Reed, Ronald F., *Studies in Philosophy For Children*, U.S.A: Temple University Press, Philadelphid, 1992.

Lipman, Matthew, "Philosophy for Children and Critical Thinking", *Thinking Children and Education*, Kendall/ Hunt Publishing Company, U.S.A. 1993.

Lipman, Matthew, *Thinking Children and Education*, Kendall/ Hunt Publishing Company, U.S.A, 1993.

